



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى



## موضوع:

عقاید؛ شناخت ایمان و کفر؛ ادیان، مذاهب و فرقه‌ها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: فرخنده

تاریخ: ۱۳۹۶/۲/۲۸

لطفاً در مورد «شیعه» معلومات دهید. آیا حدیث زیر صحیح است؟  
ابو بصیر گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «این اسم مبارکتان باد!» عرض کردم: فدایت شوم! کدام اسم؟ فرمود: «شیعه». عرض شد: مردم به خاطر این اسم ما را سرزنش می‌کنند. فرمود: آیا نشنیده‌ای که خداوند متعال فرمود: «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ» و نیز فرمود: «فَاسْتَعَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ»؛ «آن کس که از پیروانش بود بر ضد کسی که دشمن وی بود از او یاری خواست»، پس این اسم مبارکتان باشد. (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۶).

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۳/۴

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. «شیعه» در لغت به معنای «گروه» و «پیروان» است و در قرآن و سنت نیز به همین معنا استعمال شده است و با این وصف، به ذات خود معنای منفی یا مثبتی ندارد؛ چنانکه خداوند فرموده است: **«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأُولِينَ»**؛ «و هرآینه پیش از تو در شیعه‌های گذشتگان فرستادیم» یعنی «در گروه‌های گذشتگان» و فرموده است: **«ثُمَّ لَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا»**؛ «سپس از هر شیعه‌ای هر کدام که بر خداوند عاصی‌تر بوده است را جدا می‌کنیم» یعنی «از هر گروهی». با این وصف، «شیعه» هرگاه به کسی اضافه شود که شایسته‌ی همراهی و پیروی است، معنای مثبتی پیدا می‌کند، مانند «شیعه نوح» و «شیعه موسی» در کتاب خداوند<sup>۱</sup> و «شیعه علی»

۱. الحجر / ۱۰

۲. مریم / ۶۹

۳. الصفات / ۸۳؛ القصص / ۱۵

در سنت پیامبر خداوند صلی الله علیه و آله و سلم<sup>۱</sup> و هرگاه به کسی اضافه شود که شایسته‌ی همراهی و پیروی نیست یا به معنای مذهبی در دین به کار رود، معنای منفی پیدا می‌کند؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»<sup>۲</sup>؛ «و هرآینه شیعه‌های شما را هلاک کردیم، پس آیا پند گیرنده‌ای هست؟!» و فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»<sup>۳</sup>؛ «هرآینه کسانی که دین خود را فرقه فرقه کردند و شیعه‌هایی شدند تو را با آنان کاری نیست، کار آنان با خداوند است، سپس آنان را به کاری که می‌کردند آگاه می‌کند».

۲. «شیعه» در میان مسلمانان بیشتر به علی بن ابی طالب اضافه شده و در دو معنا به کار رفته است: یکی معنای لغوی و حقیقی که از پیامبر خداوند صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده و از اواخر خلافت عثمان و سپس آستانه‌ی جنگ جمل رواج یافته و به معنای حامیان علی بن ابی طالب در برابر دشمنانش بوده و شامل برخی مخالفان عثمان در جریان شورش مصریان و سپس همه‌ی یاران علی بن ابی طالب در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان می‌شده است اگرچه بیشترشان به خلافت ابو بکر و عمر پیش از خلافت او باور داشتند و دیگری معنای اصطلاحی و اعتباری که به مرور زمان شکل گرفته و به یک مذهب با اصول و فروع مشخص تبدیل شده و شامل مجموعه‌ای از عقاید صحیح و غلط درباره‌ی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بدگمانی و بدگویی درباره‌ی ابو بکر و عمر است. تردیدی نیست که «شیعه» به معنای نخست بر حق بوده است؛ زیرا هیچ گاه علی بن ابی طالب در برابر کسی قرار نگرفت مگر اینکه حق با او بود و با این وصف، کسانی که از او حمایت کردند بر حق بودند و کسانی که از او حمایت نکردند بر باطل، ولی «شیعه» به معنای دوم از این بساطت برخوردار نیست، بل مرکب از عقاید و اعمال فراوانی است که برخی صحیح و برخی غلط هستند و با این وصف، نمی‌توان آن را به طور کامل حق یا به طور کامل باطل دانست. به عبارت دیگر، «شیعه» به مثابه‌ی یک مذهب، چیز نوپیدایی است و مانند سایر مذاهب قابل اثبات یا نفی کلی نیست، بلکه باید هر یک از عقاید و اعمال آن را مانند هر یک از عقاید و اعمال مذاهب دیگر، به صورت جداگانه بررسی و اثبات یا نفی کرد، ولی «شیعه» به مثابه‌ی یک رویکرد سیاسی، چیز اصیل و استواری است که از روز سقیفه‌ی بنی ساعده یا حتی پیش از آن در روز پنج‌شنبه‌ی آخر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظهور کرده و محدوده‌ی کلامی و فقهی خاصی نداشته و همه‌ی حامیان اهل بیت در برابر دشمنانشان با هر عقیده و عملی را در بر می‌گرفته است و از این رو، بیشتر «شیعه» در ادوار نخستین اسلامی در چهارچوب «شیعه»

۱. الأغاني لأبي الفرج الأصفهاني، ج ۲۰، ص ۳۰۹؛ تاریخ مدینة دمشق لابن عساکر، ج ۴۲، ص ۳۳۳؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور للسیوطی، ج ۶، ص ۳۷۹؛ فتح القدیر للشوکانی، ج ۵، ص ۴۷۷

۲. القمر / ۵۱

۳. الأنعام / ۱۵۹

در ادوار بعد نمی‌گنجند و «شیعه به معنای مصطلح» محسوب نمی‌شوند؛ چراکه هر چند با مال و جان خود حامیان اهل بیت در برابر دشمنانشان بودند، به برخی اصول و فروع «شیعه» در ادوار بعد باور نداشتند. از این رو، منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی تأکید فرموده است که او با وجود دعوت جهانی‌اش به سوی اهل بیت، «یک شیعه به معنای مصطلح» نیست؛<sup>۱</sup> زیرا «شیعه به معنای مصطلح» با عقاید و اعمالی که امروز به آن‌ها شناخته می‌شود، همان «شیعه» در زمان پیامبر خداوند صلی الله علیه و آله و سلم و زمان علی بن ابی طالب نیست، بلکه گاهی اخص از آن و گاهی متباین با آن است.

۳. خلیفه‌ی خداوند در هر زمان، محور حق و شاخص هدایت است و با این وصف، تنها چیزی که می‌تواند مسلمانان را به دو دسته تقسیم کند، موضع آنان نسبت به اوست؛ به این صورت که هر مسلمانی از خلیفه‌ی خداوند در زمان خود جانبداری کند، شیعه‌ی اوست و هر مسلمانی از او جانبداری نکند، شیعه‌ی او نیست، در حالی که شیعه‌ی او اهل حق و اهل هدایتند. به عبارت دیگر، «شیعه» آنجا که اهل حق و اهل هدایت دانسته می‌شوند، همه‌ی مسلمانان حامی اهل بیت در برابر دشمنانشان هستند. بنابراین، هرگاه میان اهل بیت و دیگران تقابلی درگرفته، هر کسی که از اهل بیت حمایت کرده، «شیعه» بوده و هر کسی که از دیگران حمایت کرده، «شیعه» نبوده است و با این وصف، همه‌ی کسانی که در زمان نزاع علی بن ابی طالب با ابو بکر یا طلحه، زبیر و عایشه یا معاویه یا خوارج، از علی بن ابی طالب حمایت کردند، «شیعه» بودند و همه‌ی کسانی که در زمان نزاع حسن با معاویه از حسن حمایت کردند، «شیعه» بودند و همه‌ی کسانی که در زمان نزاع حسین با یزید از حسین حمایت کردند، «شیعه» بودند و همه‌ی کسانی که در زمان نزاع سایر امامان اهل بیت با حاکمان زمانشان از امامان اهل بیت حمایت کردند، «شیعه» بودند و همه‌ی کسانی که در زمان نزاع مهدی و دیگران از مهدی حمایت می‌کنند، «شیعه» هستند، اگرچه درباره‌ی عصمت آنان یا دامنه‌ی علم و ولایت‌شان یا حتی انتصاب‌شان از جانب خداوند، عقاید مختلفی داشته باشند؛ زیرا اختلاف عقاید آنان در این صورت، مانند اختلاف عقاید عالمان شیعه در میان خود است که اختلاف درجات آنان در علم محسوب می‌شود. این به معنای آن است که «شیعه» در حقیقت خود، مذهبی در عرض سایر مذاهب نیست، بل چتری بر فراز آن‌هاست که هر یک از آن‌ها می‌توانند با حمایت از اهل بیت در زیر آن جای بگیرند. بنابراین، ممکن است که برخی از اهل سنت به معنای مصطلح، «شیعه» باشند و آن هنگامی است که از امام اهل بیت در زمان خود حمایت کنند، مانند بیشتر یاران علی بن ابی طالب در جمل، صفین و نهروان و بیشتر یاران حسین بن علی در کربلا و ممکن است برخی از شیعه به معنای مصطلح، «شیعه» نباشند و آن هنگامی است که از امام اهل بیت در زمان خود حمایت نکنند،

۱. بازگشت به اسلام، ص ۱۳۰

مانند بسیاری از اهل کوفه در زمان حسن و حسین و بیشتر مدعیان تشیع در زمان حاضر که از دعوت منصور به سوی مهدی حمایت نمی‌کنند.

از اینجا دانسته می‌شود که تشبث برخی به روایات رسیده در ستایش «شیعه» برای تأیید و توجیه هر آنچه امروز «شیعه» نامیده می‌شود، یک مغالطه‌ی لفظی است؛ همچنانکه نفی «شیعه» توسط برخی دیگر با تشبث به روایات رسیده در نکوهش آنان نیز چیزی جز یک مغالطه‌ی لفظی نیست؛ چراکه «تشیع» به معنای جانبداری از اهل بیت در برابر دشمنانشان رویکرد حقی برآمده از کتاب خداوند و سنت پیامبر است و هر کس با این معنا «شیعه» نباشد در ضلالی بعید است، بلکه چه بسا منافق محسوب می‌شود، ولی «تشیع» به معنای یک مذهب با مجموعه‌ای از عقاید و اعمال خاص، چیز بسیط و ثابتی نیست تا حکم بسیط و ثابتی را بپذیرد، بلکه چیز مرکب و متغیری است و با این وصف، نمی‌توان آن را حق یا باطل دانست.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیعی خراسانی  
 جیش باجگویی با هر سینه‌ها

